

بررسی مصدق و شأن نزول آیه نفس مطمئنه در تفاسیر روایی شیعی و سنتی

تاریخ دریافت مقاله: شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: مهر ۱۳۹۹

فرزین حبیبزاده^۱

^۱ کارشناس ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

فرزین حبیبزاده

چکیده

از آنجایی که یکی از کهن‌ترین گونه‌های تفسیر قرآن تفسیر روایی یا مأثور است و این‌گونه از تفسیر مبتنی بر احادیث منقول از پیامبر (ص) و روایات امامان معصوم (ع) است، استناد به این نوع از تفاسیر و استمداد از آن‌ها برای شرح و توضیح آیات شریف قرآن از اهمیت و مقبولیت بیشتری نزد عالمان و مفسران قرآنی برخوردار بوده است. مفسران شیعی و اهل‌سنّت در بیان مصاديق و شأن نزول بسیاری از آیات قرآنی که در نتیجه در تفسیر ایشان دخیل است، اختلاف نموده و اغلب سخنانی متعارض و متناقض با یکدیگر بیان نموده‌اند. تعصبات ناشی از گرایش‌های مذهبی که به این اختلافات دامن می‌زنند، مهم‌ترین مانع برای دستیابی به تفسیر صحیح و مراد اصلی خداوند شده است. در این صورت برای وصول و راهیابی به مصاديق و شأن نزول آیاتی که مورد اختلاف فرقین است، راهی جز رجوع به سخنان پیامبر اکرم (ص) و معصومان (ع) که از مصدق آیه و شأن نزول آیه حکایت دارد، وجود ندارد. یکی از آیاتی که در تفسیر آن، روایات صحیح معصوم (ع) نقشی اساسی و پررنگ دارد، آیات نفس مطمئنه در فزار پایانی سوره مبارک فجر است. روایات بسیاری در شأن نزول این آیات و بیان مصاديق آن صادر شده است که از مهم‌ترین آنها این است که حضرت سیدالشهداء، حسین بن علی (ع) مصدق اتم و اکمل آیات پایانی سوره فجر است. لازم به توضیح است روایاتی که در ذیل آیات مذکور نقل شده‌اند، با در صدد بیان مصدق آیه هستند یا شأن نزول آن را بیان می‌کنند. نوشtar پیش‌رو که مতضمن روایات شیعیه و عامه درباره مصدق و شأن نزول آیات پایانی سوره فجر است، به توضیح و بررسی این روایات می‌پردازد و با دلایلی که خواهد شد روایاتی که در منابع اهل‌سنّت، بین آیات نفس مطمئنه و خلیفه اول یا سوم ارتباط ایجاد نموده، به دلایلی از جمله ضعف سندي یا تعداد کم این روایات قابل اطمینان نیستند. در مقابل، روایاتی که این سوره را مخصوص امام حسین (ع) دانسته‌اند و آن حضرت را مصدق آن آیات به شمار آورده‌اند، آن قدر شایع و مشهور هستند که بی‌نیاز از دفاع باشند.

کلمات کلیدی: تفسیر روایی، مصاديق، شأن نزول، امام حسین (ع)، آیات نفس مطمئنه.

- ۱ - مقدمه

حجیت و اعتبار بیانات پیامبر (ص) و امامان جانشین پیامبر در شرح و تفسیر و توضیح آیات قرآنی، اصلی پذیرفته شده نزد عالمان امامیه و عامه است. جز اینکه اهل سنت، سخنان و اقوال صحابه را در ردیف احادیث پیامبر (ص) قرار می‌دهند. روایات تفسیری صحابه را معتبر می‌دانند و از آن‌ها برای شناخت و فهم قرآن به عنوان منبعی اصلی بهره بسیاری می‌برند. تفسیر روایی - در صورت اطمینان و اثبات صحت آن از آن جهت که از اجتهاد غیرمعصوم (عالمان اسلامی، صحابه، تابعین و...) تهی است و صرفاً از منبعی وحیانی سرچشمه می‌گیرد، در شمار مهمنترین و مستوأترین تفاسیری است که از صدر اسلام برای فهم و تبیین صحیح آیات قرآنی به کار می‌رفته است. در قرآن کریم نیز خداوند متعال، پیامبر اکرم (ص) را به مهم‌ترین وظیفه وی که همان تبیین و تفسیر قرآن کریم است این‌چنین فراخوانده است: «بِالْبَيَّنَاتِ وَ الزُّبُرِ وَ أَنْزَلَنَا إِلَيْكَ الذَّكَرَ لِبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴).

آیات پایانی سوره مبارک فجر: «يَأَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً فَإِذَا دُخَلَتِ الْجَنَّةَ» که به «آیات نفس مطمئنه» شهرت دارد، یکی از آن دسته آیاتی است که در باب مصدق و شأن نزول آن، در میان عالمان شیعه و اهل سنت اتحاد ایجاد نشده است. از آنجا که روایات نقشی اساسی و اصلی برای مشخص‌نمودن مصدق آیه و فهم و تفسیر دقیق آن به شمار می‌رود و تمام راه‌های وصول به تفسیر صحیح آیه، از جمله بررسی‌های تاریخی، سندی و... همه بر حوال روایات می‌چرخد، لازم است با مراجعه به منابع روایی معتبر و موثق و ارزیابی سندی و محتوایی آن روایات، به دقیق‌ترین و مععتبرترین نظر در این زمینه دست یافت.

در این میان برخی از روایات، نزول این آیه را درباره علی (ع) دانسته‌اند. در منابع تفسیری اهل سنت نیز - که تعداد آنها بسیار کم است - به نحوی دو خلیفه اول و سوم را با این آیه پیوند داده‌اند که برخی از این روایات از شأن نزول آیه درباره این دو شخص حکایت دارند. به هر حال، هر یک از مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر آیه مذکور به روایاتی از پیامبر (ص)، اهل بیت (ع) و صحابه ایشان استناد جسته‌اند که صحت هر یک از روایات منوط به بررسی‌های سندی و متنی روایات موردنظر است. ما در این نوشتار در صدد معرفی این روایات و مختصر توضیحاتی پیرامون مطالب آیه نفس مطمئنه و تطبیق این موضوعات با روایات برآمده‌ایم و مشخص نموده‌ایم روایاتی که به نحوی، عثمان یا ابوبکر را با آیه شرife نفس مطمئنه گره زده‌اند، طبق بررسی‌های سندی و محتوایی، ضعیف به شمار می‌رond و در مقابل، مصدق تمام عیار شخصیت ملکوتی سوره فجر به ویژه آیات پایانی آن، حضرت سیدالشهداء، حسین بن علی (ع) است، و اگر هم بخواهیم از این انحصار در مصدق تنزل کنیم، می‌گوییم: این خطاب صرفاً مقام عصمت را شامل می‌شود که بر جسته‌ترین مصدق آن، با توجه به خصوصیات سوره از قبیل ارتباط آیات پایانی با آیات آغازین آن، امام حسین (ع) خواهد بود.

- ۲ - معناشناسی نفس و اطمینان

کلمه «نفس» در لغت به معنی جان، روح و روان است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰: ۲۷۰/۲ و ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۳/۶). راغب نیز نفس را به معنی روح می‌داند و آیات شریف: «اللَّهُ يَتَوَفَّ الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» (زمرا: ۴۲) و «وَ الْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمْ» (الأنعام: ۹۳) را به عنوان شاهد آورده است (راغب، ۱۴۱۲: ۸۱۸). طبرسی ذیل آیه شریف: «وَ مَا يَخْدُعُونَ إِلَى أَنفُسَهُمْ» (بقره: ۹) می‌نویسد: نفس سه معنی دارد: یکی به معنی روح، دیگری به معنی تأکید، مثل «جائی زید نفسه»، سوم به معنی ذات و اصل همان است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱/۱۳۳).

جوهری در صحاح می‌گوید: نفس به معنی روح است: «خرجت نفسه» یعنی روحش خارج شد. همچنین نفس به معنی خون است؛ «ما ليس له نفس سائلة لا ينجز الماء اذا مات فيه» یعنی آنکه خون جهنده ندارد اگر در آبی بمیرد آب نجس نمی‌شود، تا می‌گوید نفس به معنی عین و ذات شیء است. ظاهراً خون را از آن رو نفس گفته‌اند که روح با آن از بدنش خارج می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱: ۷/۹).

واژه «المطمئنة» نیز به معنای آسوده‌خاطر، آرمیده و دارای آرامش است. صاحب العین در معنای این ریشه می‌نویسد: «طمأن: اطمأن الرجل، و اطمأن قلبه، و اطمأنت نفسه إذا سكن و استأنس» (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰: ۴۴۲/۷) راغب در المفردات ذیل ریشه «طمأن» چنین می‌نویسد: اطمینان و طمأنیه یعنی سکون و آرامش بعد از پریشانی و نارامی: «الطمأنينةُ و الاطمئنانُ: الاستكونُ بعد الانزعاج. قال تعالى: وَ لَتَطْمَئِنَ بِهِ قُلُوبُكُمْ (الأفال: ۱۰)، وَ لَكُنْ لِتَطْمَئِنَ قُلُبِي (البقرة: ۲۶۰)، يا أَيْتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ (الفجر: ۲۷)». در ادامه می‌گوید: آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُ الْقُلُوبُ» (الرعد: ۲۸)، اشاره به این معنا دارد که شناخت و

معرفت خدا و مداومت در عبادت او، موجب اطمینان و آرامش قلب است: «تبیهًاً أَنَّ بِمَعْرِفَتِهِ تَعَالَى وَ الْإِكْثَارُ مِنْ عَبَادَتِهِ يَكْتَسِبُ اطْمِئْنَانَ النَّفْسِ الْمَسْؤُلِ بِقَوْلِهِ: وَ لَكِنْ لِيَطْمَئِنَ قَلْبِي (البقرة/٢٦٠)»..» (راغب، ۱۴۱۲: ۵۲۴).

در لسان‌العرب هم معنای آرامش و سکون برای این کلمه ذکر شده و در این باره آمده است: «طمَنْ: طَمَنَ الشَّيْءَ: سَكَنَهُ وَ الْطَّمَنَيْنَهُ السَّكُونُ: وَ اطْمَانَ الرَّجُل اطْمِئْنَانًا وَ طَمَانَيْنَهُ أَى سَكَنَ...» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۶۸/۱۳).

تعبیر به «مطمئنه» اشاره به آرامشی است که در پرتو ایمان به پروردگار و یاد و ذکر او به دست می‌آید، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُ الْقُلُوبُ» (رعد/۲): همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل هایشان به یاد خدا آرامی می‌گیرد، آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

۲- مراتب نفس

انسان یک روح و یک نفس دارد و همین یک نفس دارای مراتب و درجات متفاوتی است. مفسران در تقسیمات و درجاتی که از نفس ارائه داده‌اند، تفاوت دیدگاه دارند. از جمله صاحب بیان السعادة نفس انسان را بر حسب جایگاه شیطان از نفس، تا جایگاه آن در دار رحمان و واسطه قرار گرفتن انسان از آن دو، در سه مرتبه نفس امارة، لوامة و مطمئنة می‌داند و در توضیح هر یک از آن‌ها چنین آورده است: «...تسقی الاولی بالاتارة و هي التي تأمر بالسوء اي بما تهواه سواء كان في صورة الخير أو الشر، و لا ترتدع و لا تندم عليه، و الثانية باللوامة و هي التي تلوم نفسها في كل ما تأتى خيرا كان أو شرا و تحزن على ما فعل من حيث شريته، أو من حيث نقصانه عن درجة الكمال، أو من حيث نسبته إلى نفسها، و الثالثة بالطمئنة لاطمئنانها إلى ربها و خروجها عن انانيتها التي هي سبب اضطرابها» (گتابداری، ۱۳۷۲: ۲۵۴/۴). مرتبه‌ی اول نفس امارة است و آن چنان است که امر به بدی می‌کند، یعنی، به آنچه که نفس آن را می‌خواهد خواه در صورت خیر باشد یا در صورت شر، نه از کار بد بازمی‌گردد و نه پشیمان می‌شود. مرتبه‌ی دوم نفس لوامة است و آن چنان است که نفس را ملامت و سرزنش می‌کند در هر کاری که انجام می‌دهد خوب باشد یا بد و از جهت بد بودن فعل، یا از آن جهت که از درجه‌ی کمال ناقص است، یا از آن جهت که نسبت کار را به خودش می‌دهد، اندوهناک می‌گردد و مرتبه‌ی سوم نفس مطمئنه است از آن جهت که به پروردگارش مطمئن و آرام است و از انایت خوبیش که سبب اضطراب است، خارج گشته است.

صاحب تفسیر اثنا عشری نیز علاوه بر سه نفس امارة، لوامة و مطمئنة، از نفسی دیگر به نام «نفس مسومه» یاد می‌کند که به اعتقاد مفسر، این نفس به اعتبار آنکه مایل شود به ربط عالم معنوی و عازم شود به سیر در آن، لکن مقتضیات طبیعی او را به تأخیر اندازد، آن را «مسومه» نامند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۷/۱۴ و ۲۰۸ و ۲۰۷).

آیت‌الله جوادی آملی در مقاله‌ای با عنوان نفس مسوله و راه‌های رهایی از آن، نفس مسوله را معرفی کرده و بیان داشته‌اند که نفس مسوله غیر از نفس امارة است، نفس امارة را انسان می‌شناسد، اما نفس مسوله را نمی‌شناسد. نفس مسوله انسان را به زشتی امر نمی‌کند، بلکه اغوا می‌کند و زشتی‌ها را خوب جلوه می‌گردند (جوادی آملی، ۱۳۷۷: شماره ۲۰۳).

در تفسیر نمونه آمده است که علمای اخلاق برای نفس (احساسات و غرائز و عواطف آدمی) سه مرحله قائلند که در قرآن مجید به آن‌ها اشاره شده است. نخست «نفس امارة»، نفس سرکش است که انسان را به گناه فرمان می‌دهد و به هر سو می‌کشاند و لذا اماراته اش گفته‌اند. در این مرحله هنوز عقل و ایمان آن قدرت را نیافرته که نفس سرکش را مهار زند و آن را رام کند بلکه در بسیاری از موارد در برابر او تسلیم می‌گردد و یا اگر بخواهد گلابیز شود نفس سرکش او را بر زمین می‌کوبد و شکست می‌دهد. این مرحله همان است که در آیه: «وَ مَا أُبَرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبَّيْ عَفُورٌ رَّحِيمٌ» (یوسف/۵۳) در گفتار همسر عزیز مصر به آن اشاره شده است و همه بدیختی‌های انسان از آن است.

مرحله دوم «نفس لوامة» است که پس از تعلیم و تربیت و مجاهدت، انسان به آن ارتقاء می‌یابد، در این مرحله ممکن است بر اثر طغيان غرائز گهگاه مرتكب خلاف‌هایی بشود اما فوراً پشیمان می‌گردد و به ملامت و سرزنش خوبیش می‌پردازد، و تصمیم بر جبران گناه می‌گیرد، و دل و جان را با آب توبه می‌شوید، و به تعبیر دیگر در مبارزه عقل و نفس گاهی عقل پیروز می‌شود و گاهی نفس، ولی به هر حال کفه سنگین از آن عقل و ایمان است. این مرحله همان است که قرآن مجید در سوره قیامت به آن سوگند یاد کرده است، سوگندی که نشانه عظمت آن است: «لَا أُقْسِمُ بِبَيْوْمِ الْقِيَامَةِ وَ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ الْلَّوَامَةِ» (قیامت/۱ و ۲).

مرحله سوم «نفس مطمئنه» است و آن مرحله‌ای است که پس از تصفیه و تهذیب و تربیت کامل، انسان به مرحله‌ای می‌رسد که غرائز سرکش در برابر او رام می‌شوند و سپر می‌اندازند، و توانایی پیکار با عقل و ایمان در خود نمی‌بینند چرا که عقل و ایمان آن قدر نیرومند شده‌اند که غرائز نفسانی در برابر آن توانایی چندانی ندارد. این همان مرحله آرامش و سکینه است، آرامش که بر اقیانوس‌های بزرگ حکومت می‌کند، اقیانوس‌هایی که حتی در برابر سخت‌ترین طوفان‌ها چین و شکن بر صورت خودنمایان نمی‌سازند. این مقام انبیاء و اولیا و پیروان راستین آنها است، آن‌هایی که در مکتب مردان خدا درس ایمان و تقوا آموختند و سال‌ها به تهذیب نفس پرداخته و جهاد اکبر را به مرحله نهایی رسانده‌اند. این همان است که قرآن در سوره فجر به

آن اشاره می‌کند آنجا که می‌گوید: «يا أَيْتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ اذْخُلِي جَنَّتِي» (مکارم، ۱۳۷۱ ش: ۴۳۶-۴۳۷).

طبق آن‌چه گفته آمد در قرآن کریم به چهارگونه از نفس انسانی اشاره شده است: نفس امارة، نفس لوامه، نفس ملهمه و نفس مطمئنه. در ادامه مختصراً به هر یک از این نقوص و آیات قرآنی آن اشاره می‌شود.

۱-۱-۲- نفس امارة

«امارة» صیغه مبالغه به معنای نفس فرمان‌دهنده و به شدت فرمان‌دهنده و در کمال استبداد فرمان‌دهنده است. برخی برآنند که نفس امارة همان نفس حیوانی است که دارای سه قوه شهوت و غضب و واهمه می‌باشد. «نفس انسانی به اعتبار آنکه ذاتا مایل به شهوت و راغب به صفات شیطانی است، «امارة» نامند» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۷/۱۴). از این نفس که انسان را به سوی کارهای رشت هدایت می‌کند در آیه ۵۳ سوره یوسف اشاره شده است: «وَ مَا أَبْرَئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي عَفُورٌ رَّحِيمٌ».

امام علی (ع) رفتارهای برخاسته از نفس امارة را به اسبابی چموش تشبیه نموده که افسارگسیخته سوار خود را هرجا که بخواهد می‌برند تا آنکه او را به آتش دوزخ افکند و انسان‌هایی که نفس امارة خویش را کنترل و تعدیل و مهار نموده‌اند مانند کسانی هستند که سوار بر مرکب راهوار و رام شده و سوارش مهار را به دست گرفته و سرانجام او را وارد بهشت می‌نماید» (نهج‌البلاغ، خطبه ۱۶).

حضرت (ع) در جایی دیگر در باب دشمنی این نفس می‌فرمایند: «النَّفْسُ الْأَمَارَةُ الْمُسَوْلَةُ تَتَمَلَّقُ تَمَلُّقَ الْمُنَافِقِ وَ تَتَصَنَّعُ بِشِيمَةِ الصَّدِيقِ الْمَوْافِقِ حَتَّى إِذَا حَدَّعَتْ وَ تَمَكَّنَتْ تَسْلُطَتْ تَسْلُطَ الْعَدُوِّ وَ تَحْكُمَتْ تَحْكُمَ الْعَوْنَوْنَ فَأَوَارَدَتْ مَوَارِدَ السُّوءِ» (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۲۰) در روایت «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشَاءِ فَمَنِ ائْتَمَنَهَا خَاتَمَهُ وَ مَنِ اسْتَنَمَ إِلَيْهَا أَهْلَكَتَهُ وَ مَنِ رَضَى عَنْهَا أُورَدَتَهُ شَرَّ الْمَوَارِدِ» (همان: ۲۲۷) نیز که حضرت در نکوهش پیروی از خواهش نفس فرموده‌اند به سختی از این نفس بمرحد مردی دارد. امام سجاد (ع) نیز در یکی از مناجات‌های خود، این چنین از ویژگی‌ها و اوصاف رشت نفس امارة سخن می‌گوید و فریاد شکوه سر می‌دهد: «إِلَهِي، إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَارَةً، وَ إِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً، بِمَعَاصِيكَ مُولَعَةً، ... كَثِيرَةُ الْعِلَلِ، إِنَّ مَسْهَبَهَا الشَّرُّ تَجْرَعَ وَ إِنَّ مَسْهَبَهَا الْخَيْرُ تَمْنَعَ، مَيَالَةً إِلَى الْلَّعِبِ وَ الْهُوَّ، مَمْلُوَةً بِالْغَلَلِ وَ السَّهُوِّ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْخَوْبَةِ، وَ تَسْوَقُنِي بِالْتَّوْبَةِ» (مجلسی، ۱۴۳/۹۱: ۱۴۰).

۱-۲- نفس لوامه

این نفس انسان را به خاطر اعمال زشتی که مرتکب می‌شود سرزنش می‌کند و بر اثر تکرار کردارهای زشت و گناهان، کارکرد خود را از دست می‌دهد. از این نفس که به وجود نیز تعبیر شده است در آیه دوم از سوره قیامت اشاره شده است: «لَا أَقْسِمُ بِبَيْوْمِ الْقِيَامَةِ * وَ لَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ الْلَّوَامَةِ» نفس انسانی به اعتبار آنکه اصلش از عالم ملکوت است، بسا شود بعد از تمایل به شهوت خود را ملامت و سرزنش نماید، آنرا، «لوامه»، نامند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۷/۱۴). نکته شایان توجه آنکه در آیات نخست سوره مبارک قیامت، سوگند به نفس لوامه در کنار سوگند به قیامت بیان شده است و این خود بیانگر ارزشمندی و شرافت و جایگاه والای نفس لوامه است که خداوند به آن سوگند یاد کرده است.

پیامبر اکرم (ص) در روایتی، با استفاده از نفس لوامه در آیه شریف، به این مسعود این چنین سفارش می‌کند: «يَا بْنَ مَسْعُودٍ، أَكْثِرِ مِنِ الصَّالَحَاتِ وَ الْبَرِّ؛ وَ إِنَّ الْمُحْسِنَ وَ الْمُسِيءَ يَتَذَمَّنُ، يَقُولُ الْمُحْسِنُ: يَا لَيْتِنِي أَزَدَتْ مِنَ الْحَسَنَاتِ! وَ يَقُولُ الْمُسِيءُ: قَصَرَتْ، وَ تَصْدِيقُ ذلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: وَ لَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ الْلَّوَامَةِ» (مجلسی، ۱۴۰/۳: ۱۰۴/۷۴).

۱-۳- نفس ملهمه

این نفس نیز موجب نوعی پیوند میان انسان و عالم غیب است و از عالم غیب به آن الهام می‌شود. در آیات هفتم و هشتم سوره مبارک شمس از این نفس یاد شده است: «وَ نَفْسٌ وَ مَا سَوَّاهَا * فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»

۱-۴- نفس مطمئنه

نفس مطمئنه متصل به خدا و به واسطه این پیوند، دارای اطمینان است. کسی که این نفس در او بیدار می‌شود، راه و روش خود را می‌یابد و به دنبال یقین حرکت می‌کند. در آیه ۲۷ سوره مبارک فجر، به این نفس اشاره شده است: «يَا أَيْتُهَا النَّفْسَ الْمُطْمَئِنَةَ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً»

۲- نفس مطمئنه در کلام معصومان (ع) و مفسران قرآن

ظاهرآ منظور از «نفس مطمئنه» در آیه ۲۷ سوره مبارک فجر، روح انسان است. در این زمینه روایت امام صادق (ع) در کتاب کافی که از ایشان سؤال شد که آیا مؤمن از قضی روح کراحت دارد، شاهد این مطلب است. «عَدَّةُ مِنْ أَصْحَابِنَا غَنْ سَهْلٌ بْنٌ

زیاد عنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عنْ أَبِيهِ عَنْ سَدِيرِ الصَّبَرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِيهِ عَبْدَ اللَّهِ (ع) جَعَلْتَ فِدَاكَ يَا أَبِنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يُكْرَهُ الْمُؤْمِنُ عَلَى قَبْضِ رُوحِهِ قَالَ لَا وَاللَّهِ إِنَّهُ إِذَا أَتَاهُ مَلِكُ الْمَوْتِ لِتَبْنِي رُوحَهِ خَرَجَ عِنْدَ ذَلِكَ فَيَقُولُ لَهُ مَلِكُ الْمَوْتِ يَا وَلَيَّ اللَّهِ لَا تَجْرَعْ فَوْ أَذْنِي بَعْثَ مُحَمَّدًا (ص) لَأَنَا أَبْرِيكَ وَأَشْفَقَ عَلَيْكَ مِنْ وَالِدِ رَحِيمٍ لَوْ حَضَرَكَ افْتَحْ عَيْنَكَ فَانْظُرْ قَالَ وَيُمَكِّلُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص)» (کلینی، ۱۴۰۷ و ر.ک. کوفی، ۱۴۱۰: ۵۵۳/۱ و ۱۴۱۵: ۵۵۷/۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۱۲۷/۳).

همان گونه که از ظاهر آیه پیداست، تعبیر «یا ایتها النفس المطمئنة» خطاب به انسان مؤمن است که در ادامه آیه، راضی بودن و مرضی بودن، نشانه این نفس است که او از خدا خوشنود و خدا نیز از او خرسند است. اما هنگامی که مرگ کافر فرارسد خداوند دو فرشته می فرستد و به وی می گویند: «یا ایتها النفس الخبيثة ارجعی الى الجحیم و العذاب الالیم» (کاشانی، ۲۴۷/۱۰: ۱۳۳۶).

ابوالفتح رازی در تفسیر خود از قول ابن زید و عطیه در باب نفس مطمئنه و اطمینان نفس می نویسد: «بن زید گفت: نفس مطمئنه آن است که به هیچ طاعت خلل نکرده باشد و هیچ معصیت را ارتکاب نکرده باشد، او را در مرگ بشارت دهنده به بهشت. نفس او ساکن شود به آن و گفتند: نفس مطمئنه، نفسی باشد مؤمن متیقّن به خدای تعالی. نفس او به علم ساکن باشد از خطرات شباهات». عطیه گفت: نفسی باشد مؤمن متیقّن به خدای تعالی که آچه قضاe محظوم باشد به او برسد. ابن کیسان گفت: نفسی باشد مخلص، و گفتند: مطمئن باشد و ساکن به نام خدای، بیانه قوله: ألا يذکر الله تطمئن القلوب (رعد/۲۸) و گفتند: متوكّل بر خدای واقع به ضمان او روزی را» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۵/۲۰).

صاحب تفسیر إثناعشری نیز نفس مطمئنه را با تعابیری زیبا و دلنشیں، چنین توصیف می کند: «نفس انسانی» به اعتبار آنکه به تربیت مرتب شریعت، یعنی دستور وجود مقدس محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در مرحله صفاتی نفس برآید، ارام یافته به ذکر الهی و فارغ از غیر سبحانی، شاکر در نعم و صابر در محن، چنان ایقان نموده که ابدا خلجان شک و ریب در قلب او وارد نگردد و مقام اطمینان را دارا شود، آن را نفس «مطمئنه» نامند. این مقام و رتبه است که صاحبیش مصدق کریمه «یا ایتها النفس المطمئنة» و به مزایای مكرمت فایز گردد» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۷/۱۴ و ۲۰۸).

علامه طباطبائی در تفسیر شریف المیزان این چنین به معرفی نفس مطمئنه پرداخته‌اند: «نفس مطمئنه، نفسی است که با علاقمندی و یاد پروردگارش سکونت یافته، بدانچه او راضی است رضایت می‌دهد و در نتیجه خود را بنده‌ای می‌بیند که مالک هیچ خیر و شری و نفع و ضرری برای خود نیست و نیز دنیا را یک زندگی مجازی و داشتن و نداشتن و نفع و ضرر آن را امتحانی الهی می‌داند و در نتیجه اگر غرق در نعمت دنیا یابد، به طفیان و گسترش دادن به فساد و به علو و استکبار، وادر نمی‌شود، و اگر دچار فقر و فقدان گردد این تهییدستی و ناملایمات او را به کفر و ترک شکر و انمی دارد، بلکه هم چنان در عبودیت پای برجا است و از صراط مستقیم منحرف نمی‌شود، نه به افراط و نه به تفریط» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۴۷۷/۲۰).

۳- نفس مطمئنه در تفاسیر روایی اهل سنت و شیعه

همان گونه که در چندجا اشاره شد روایاتی که ذیل آیه نفس مطمئنه آمده است در دو دسته جای می‌گیرند: برخی در صدد بیان مصدق آیه و برخی از شأن نزول آن حکایت دارند. در این میان روایاتی که در منابع اهل سنت در باره مصدق و شأن نزول آیه نفس مطمئنه ذکر شده است به چند دلیل می‌تواند مزدود و غیرقابل اعتماد تلقی شود؛ یکی اینکه این روایات علاوه بر اینکه ضعف سندی و محتوایی دارند، با روایات صحیحی که این آیه را در شأن امام معصوم، به ویژه امام حسین (ع) معرفی می‌کنند در تعارض است؛ دوم اینکه سند اغلب این روایات بدون اینکه به پیامبر نسبت داده شوند به صحابه ختم شده‌اند؛ دیگر اینکه روایاتی که امام حسین (ع) را مصدق آیه مزبور ذکر نموده‌اند آن قدر مشهور و مسلم است که نیاز نباشد به بررسی روایات دیگر پرداخت. در ادامه روایاتی که در پی بیان مصدق آیه و شأن نزول آن در منابع و مدارک اهل سنت و امامیه است به بررسی می‌نشینیم.

۳-۱- منابع روایی اهل سنت

در منابع اهل سنت، روایات در مصدق یا شأن نزول آیه «یا ایتها النفس المطمئنة» گوناگون است. برخی از این روایات آیه را در شأن ابوبکر و برخی در حق عثمان دانسته‌اند. در محدود روایاتی هم که در تفاسیر ایشان آمده است، این آیه را در حق پیامبر اکرم (ص)، حمزه، حبیب بن عدی و ابن عباس معرفی نموده‌اند. در این میان، حسکانی، مفسر سنی‌مذهب قرن پنجم، روایتی را در تفسیر خود، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، از فرات کرده که طبق آن، این آیه در حق حضرت علی (ع) نازل شده است: «فرات بن إبراهیم الكوفی قال: حدثني على بن محمد الزهری قال: حدثني إبراهیم بن سليمان، عن الحسن

بن محبوب، عن عبد الرحمن بن سالم عن أبي عبد الله جعفر بن محمد في قوله تعالى: يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ إِلَى آخر السورة، قال: نزلت في علي» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۲۹/۲).

رواياتی که این آیه را در شأن ابویکر آورده‌اند، در تفاسیر مشهوری از جمله تفسیر طبری، تفسیر القرآن العظیم ابن أبي حاتم و الدرالمنثور فی تفسیر المأثور ذکر شده‌اند که بیشتر به نقل از سعید بن جبیر از ابن عباس است:

الف) «حدثنا على بن الحسين: حدثنا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنُ عَبْدِ الدَّشْتَكِيِّ، حَدَّثَنَا أَبِيهِ عَنْ أَشْعَثٍ، عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً قَالَ: نَزَلتْ وَأَبُو بَكْرٍ جَالِسٍ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَحْسَنْ هَذَا فِي قَالَ: أَمَا إِنَّهُ سَيِّقَ لَكَ هَذَا» (ابن أبي حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۰/۱۰).

ب) «حدثنا أبو سعيد الأشجع، حدثنا ابن يمان عن أشعث عن سعید بن جبیر قال: قرأت عند النبي صلی الله عليه وسلم يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً قَالَ: إِنْ هَذَا حَسْنٌ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَمَا إِنَّ الْمَلَكَ سَيَقُولُ لَكَ هَذَا عِنْدَ الْمَوْتِ». (همانجا) طبری در تفسیر خود، جامع البيان (طبری، ۱۴۱۲: ۵۸۱/۱۲) و سیوطی در الدرالمنثور (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶) نیز این روایات را تکرار کرده‌اند.

اما رواياتی که نزول این آیه را درباره عثمان معرفی می‌کنند، از نظر تعداد نسبت به روایات ابوبکر کمتر است. این روایات از ضحاک از ابن عباس و ابن مردویه از عباس نقل شده است:

الف) «عن الضحاک عن ابن عباس رضی الله عنهمما أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ يَشْتَرِي بَئْرَ رَوْمَةً نَسْتَعْذِبُ بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، فَاشْتَرَاهَا عُثْمَانُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هَلْ لَكَ أَنْ تَجْعَلَهَا سَقَائِيَّةً لِلنَّاسِ؟ قَالَ: نَعَمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِي عُثْمَانَ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ الْآيَةَ» (ابن أبي حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۰/۱۰). از طریق جوییر از ضحاک، او از ابن عباس روایت شده که پیامبر (ص) فرمود: کیست که چاه رومه را بخرد که مردم از آن استفاده کنند. عثمان آن را خرد سپس پیامبر به او فرمود: آیا می‌توانی در آنجا عنوان سقائی برای مردم پیدا کنی؟ عثمان گفت: بلی یا رسول الله، سپس این آیات درباره او نازل گشت و پیامبر برای او دعا کرد.

ب) «أخرج ابن مردویه عن ابن عباس رضی الله عنهمما فی قوله يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ قال نزلت فی عثمان بن عفان رضی الله عنه» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶).

علاوه بر روایات فوق که آیه را در شأن خلیفه اول و سوم دانسته‌اند، دو روایت دیگر، ذیل آیه مذکور در تفسیر ابن ابی حاتم و الدرالمنثور سیوطی وارد شده است که مراد از نفس مطمئنه، پیامبر اکرم (ص)، حمزه یا حبیب بن عدی است:

الف) «أخرج ابن مردویه عن ابن عباس رضی الله عنهمما يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ قال هو النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (ابن أبي حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۰/۱۰ و سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶).

ب) «عن بريدة رضي الله عنه في قوله: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ قال: يعني نفس حمزة» (ابن أبي حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۰/۱۰ و سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶).

ابن جوزی در تفسیر زاد المسیر نیز پنج قول را درباره نزول آیه مزبور ذکر کرده که در قول نخست آن به روایت از أبوهریره و بريدة الاسلامی آمده که آیه مزبور درباره حمزة نازل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۴۴/۴). ابن کثیر هم نزول این آیه درباره حمزة را به روایت از بريدة بن الحصیب ذکر کرده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۹۰/۸).

در روایتی دیگر که صحابان تفاسیر معروف اهل سنت و همچنین برخی منابع شیعی از جمله تفسیر منهج الصادقین از آن یاد می‌کنند، سخن از فوت ابن عباس و وارد شدن پرنده‌ای در جسد اوست که بر سر قبر وی هافتی این آیه را تلاوت می‌کرد. در این مورد ابوالفتوح رازی در تأویل آیه «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» می‌نویسد: «اسمعاعیل بن أبيه گفت: این آن ساعت باشد که جان می‌سپارد و چون به قیامت آید گویند: فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي. سعید جبیر گفت: عبد الله عباس به طایف فرمان یافت. مرغی بیامد که بر شکل او کس مرغ ندیده بود و در نعش او شد و بیرون نیامد. چون او را دفن کردند، بر سر گور او هاتفی آواز داد و این آیت بخواند. آوازش شنیدند و او را ندیدند» (رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۷/۲۰).

اصل روایت به این صورت در منابع روایی و تفسیری ذکر شده است: «حدثنا الحسن بن عرفة، حدثنا مروان بن شجاع الجزري عن سالم الأقطس، عن سعید بن جبیر قال: مات ابن عباس بالطائف، فجاء طير لم ير على خلقه، فدخل نعشة ثم لم ير خارجا منه، فلما دفن تليت هذه الآية عن شفیر القبر ما يدرى من تلاها يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» (ابن أبي حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۱/۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۹۱/۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۱/۶ و کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۴۷/۱۰).

۲-۳- منابع روایی شیعه

سوره فجر را سوره حسین بن علی (ع) نامیده‌اند و همانگونه که مکرر بیان شد مصدق روشن نفس مطمئنه، حسین بن علی (ع) است که در سختترین حالات و لحظات و شکننده‌ترین واقعه کربلا، در نهایت اطمینان و آرامش نفس بود و به آنچه پیورده‌گارش راضی است رضایت می‌دهد. سخن امام صادق (ع) نیز که می‌فرماید: «سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید که سوره حسین (ع) است. هر کس این سوره را بخواند و در آن برای انجام کارهای شایسته بیندیشد در روز رستاخیز با آن حضرت و در درجه او وارد بهشت خواهد شد» در تأیید مطلب فوق، شایسته توجه است (طبرسی، ۱۳۷۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸؛ ۱۴۱۴؛ ۲۷۵/۱۴؛ ۲۹۶/۷؛ ۲۷۷/۷). در روایتی دیگر از امام صادق (ع) نیز، حضرت مراد از «نفس المطمئنه» را که از خداوند راضی و خشنود است و خداوند نیز از او خرسند است، حسین بن علی (ع) دانسته است (قمی، ۱۳۶۳؛ ۱۴۰۳؛ ۶۵۸/۵؛ ۴۲۲/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳؛ ۲۱۹/۴۴).

به طور کلی، روایاتی که درباره مصدق یا شان نزول آیه نفس مطمئنه در منابع شیعه وارد شده در پنج دسته جای می‌گیرد: دستهٔ تخریب، روایاتی که امام حسین (ع) را مصدق آیه نفس مطمئنه و فراتر از آن، مصدق سورهٔ فجر دانسته‌اند.

دسته دوم، روایاتی که نزول این آیه را در حق حضرت علی (ع) می‌دانند.

دسته سوم، روایاتی که نزول این آیه را درباره حمزه بن عبدالمطلب معرفی کرده‌اند.

دسته چهارم، روایاتی که نام حبیب بن عدی را در ذیل این آیه یادآور شده و در شأن نزول وی دانسته‌اند.

دستهٔ پنجم روایتی که به نحوی از شأن ابن عباس در ذیل این آیه حکایت دارد.

روایاتی که در منابع شیعی و سنی درباره نفس مطمئنه و مصادیق آن آمده است، جز در دو سه مورد که با هم توافق دارند، در سایر آن‌ها اختلاف وجود دارد. روایاتی که آیه را درباره حمزه، حبیب بن عدی و ابن عباس ذکر کرده‌اند در بین مفسران شیعه و اهل سنت اختلافی نیست. روایت دیگری هم تنها در برخی منابع سنی نقل شده که مراد از نفس مطمئنه، پیامبر اکرم (ص) است.

در روایت زیر که از امام صادق (ع) نقل شده است، شأن و جایگاه والی اهل بیت (ع) و پیروان ایشان در ارتباط با آیة شریف نفس مطمئنه به خوبی به تصویر کشیده شده است. حضرت در روایت زیر خطاب «یاً أیتها النّفْسُ الْمُطَمِّنَةُ» را مخصوص کسانی می داند که به ولایت علی (ع) و اهل بیت ایشان رضایت داده و نفس خود را به محمد (ص) و اهل بیت ایشان مطمئن ساخته اند: «عَدَّهُ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زَيَادٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ سَلَيْمانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَدِيرِ الصَّبَرِيفِيِّ قَالَ قَلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) جَعَلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يُكْرَهُ الْمُؤْمِنُ عَلَى قِصْرِ رُوحِهِ قَالَ لَا وَاللَّهِ إِنَّهُ إِذَا أَتَاهُ مَلْكُ الْمَوْتِ لِقَبِضِ رُوحِهِ جَزَعَ عِنْ ذَلِكَ فَيَقُولُ لَهُ مَلْكُ الْمَوْتِ يَا وَلَيِّ اللَّهِ لَا تَجْرِعْ فَوْ أَذْنِي بَعْثَ مُحَمَّداً (ص) لَمَّا أَبْرَكَ وَأَشْفَقَ عَلَيْكَ مِنْ وَالدِّرِّ حَرِيمٍ لَوْ حَضَرَكَ افْتَحْ عَيْنَكَ فَانْظُرْ قَالَ وَيَمْشِلُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحَسِينُ وَالْأَئمَّةُ مِنْ ذُرْتِهِمْ (ع) فَيَقَالُ لَهُ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحَسِينُ وَالْأَئمَّةُ (ع) رُفَاقُوكَ قَالَ فَيُفْتَحُ عَيْنُهُ فَيَنْظُرُ فَيُنَادِي رُوحَهُ مُنَادِيَ مِنْ قَبْلِ رَبِّ الْعَزَّةِ فَيَقُولُ يَا أَيَّتَهَا النّفْسُ الْمُطَمِّنَةُ (الفجر/ ٢٧) إِلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلَ بَيْتِهِ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً (الفجر/ ٢٨) بِالْوَلَايَةِ مَرْضِيَّةً (الفجر/ ٢٨) بِالْتَّوَابِ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (الفجر/ ٢٩) يَعْنِي مُحَمَّداً وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَادْخُلِي جَنَّتِي (الفجر/ ٣٠) فَمَا شَاءَ اللَّهُ مِنْ إِلَيْهِ مِنْ اسْتِيالٍ رُوحِهِ وَالْحُوقِ بِالْمُنَادِيِّ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۸/۳ و ر.ک. عروسی حوزی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۵۷۵/۶؛ حسینی، است آبادی، ۱۴۰۹: ۷۷۰ و قمی مشهدی، ۱۴۰۹: ۳۶۸ و بروجردی، ۱۳۶۶: ۴۱۲/۷).

این روایت با اندک تغییری در تفسیر فرات کوفی نیز ذکر شده است. (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ۵۵۵) صاحب تفسیر البرهان نیز این روایت را به نقل از ابن‌بابویه، از پدرش، از سعد بن عبدالله، از عباد بن سلیمان، از سدیر الصیرفی از امام صادق (ع) آورده‌اند (بحاری، ۱۴۱۶، ۵۷۸/۵ و ۶۵۸ و ۲۲۸/۵ و ۱۴۱۵، فض، کاشانی، ۱۴۱۵ و عروسی، حوزی، ۱۴۱۵، ۵۷۸/۵).

تعداد روایاتی که مصدق آیه نفس مطمئنه را امام حسین (ع) معرفی کرده‌اند، نسبت به روایاتی که مصدق دیگری برای آیه مذکور بیان کرده‌اند بیشتر است. از باب نمونه به ذکر دو روایت در این باره سینده می‌شود.

الف) «حدثنا جعفر بن أَحْمَدَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى عَنِ الْحَسْنِ بْنِ عَلَى بْنِ أَبِيهِ حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ بَصِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» يعني الحسين بن علي (ع).» (قمي، ١٣٦٣: ٤٢٢/٢ و قمي مشهدی، ١٣٦٨: ١٤/٢٧٨) علامه بحرانی و عروسی حوزی نیز روایت مذبور را به همین شکل نقل نموده‌اند (بحرانی، ١٤١٦: ٥٧٨/٥ و عروسی، حوزی، ٤١٥: ٥٧٧/٥).

ب) «شرف الدين النجفي، قال: روى الحسن بن محبوب بإسناده، عن صندل، عن داود بن فرقد، قال: قال أبو عبد الله (ع): «اقرءوا سورة الفجر في فرائضكم ونواولكم، فإنها سورة الحسين بن علي، وارغبوا فيها رحمكم الله، فقال له أبوأسامة و كان حاضر

المجلس: كيف صارت هذه السورة للحسين (عليه السلام) خاصة؟ فقال: «ألا تسمع إلى قوله تعالى: يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارجعي إلى ربِّكِ راضيَةً مرضيَّةً فادخلِي في عبادي وادخلِي جنتِي؟ إنما يعني الحسين بن علي (عليهما السلام)، فهو ذو النفس المطمئنة الراضية المرضية وأصحابه من آل محمد (صلوات الله عليهم) الراضون عن الله يوم القيمة وهو راض عنهم، وهذه السورة أنزلت في الحسين بن علي (عليهما السلام) وشيعته، وشيعة آل محمد خاصة، من أدمى قراءة الفجر كان مع الحسين (عليه السلام) في درجته في الجنة، إن الله عزيز حكيم» (بحراني، ۱۴۱۶: ۶۵۸/۵ وحسيني استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۶۹).

امام صادق (ع) فرمود: سورة فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید، زیرا که این سوره به حضرت امام حسین (ع) اختصاص دارد و به خواندن آن رغبت نشان دهید خدا شما را مورد رحمت قرار دهد. ابو اسامه در مجلس حاضر بود، پرسید: چگونه این سوره ویژه حسین (ع) گشت؟ امام گفت: آیا به این گفته خدای متعال گوش فرا نمی‌دهی: «يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارجعي...» ای جان آرامش یافته (و به یقین رسیده)، به سوی خدای خویش باز گردید...، مقصود حسین بن علي (ع) است، حسین صاحب جان آرامش یافته (و به یقین و اطمینان رسیده) بود، و خشنود از خدای بود و خدای از او خشنود. هر کس این سوره را همیشه بخواند، در درجه حسین (ع) خواهد بود در بهشت. و همانا خداوند عزیز است و حکیم.

بخشی از روایت فوق در تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۸۰/۱۴) و در کتاب ثواب الأعمال، صفحه ۱۲۳ به نقل از تفسیر الصافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۵) و بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۳/۲۴) نیز آمده است.

همان طور که گفته آمد برخی روایات، نزول آیه مزبور را در حق علی بن ابی طالب دانسته‌اند. این روایات نیز، مانند روایات دسته فوق در بسیاری از منابع شیعی از قرن چهارم تا دورهٔ معاصر و حتی در برخی منابع اهل‌سنّت ذکر شده است.

(الف) «فرات [بن إبراهيم الكوفي] قال حدثني على بن عبد الرحمن [جعفر بن محمد] (ع) في قوله يا أيتها النفس المطمئنة إلى آخر السورة قال نزلت في على بن أبي طالب (ع)» (فرات الكوفي، ۱۴۱۰: ۵۵۵ وحسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۶۹). علامه بحرانی نیز روایت مزبور را به نقل از علی بن ابراهیم آورده است، جز اینکه در این تفسیر، این روایت از محمد بن العباس از الحسین بن أحمد از محمد بن عیسی از یونس بن یعقوب از عبدالرحمن بن سالم از امام صادق (ع) نقل شده است (بحراني، ۱۴۱۶: ۶۵۷/۵ و ر.ک. قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۷۹/۱۴).

(ب) «قوله يا أيتها النفس المطمئنة ارجعي إلى ربِّكِ راضيَةً مرضيَّةً قال إذا حضر المؤمن الوفاة نادى مناد من عند الله يا أيتها النفس المطمئنة ارجعى بولائية على مرضية بالشواب فادخلِي في عبادي وادخلِي جنتِي فلا يكون له همة إلا اللحوق بالنداء» (قمی، ۱۳۶۳: ۱۴۲۲/۲ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۵). علامه بحرانی نیز روایت مزبور را به نقل از علی بن ابراهیم آورده است (بحراني، ۱۴۱۶: ۶۵۷/۵) حضرت باقر (ع) فرمود: هر نفسی که مطمئن شد به ولايت امير المؤمنین (ع)، خوشنود گردد به پاداش و ثواب پروردگار و فرمود: در حال احتضار فرشتگان او را صدا می‌کنند: ای کسی که مطمئن شدی به ولايت علی امیر المؤمنین (ع) باز گرد به سوی پروردگار خود خوشنود و پسندیده، پس هم و غمی برای او نیست مگر آنکه ملحق شود به آن حضرت.

افزون بر روایات فوق، بسیاری از مفسران شیعه، نظیر ابوالفتوح رازی به نقل از صالح بن حیان و مفسران اهل‌سنّت، نزول آیه را درباره حمزه بن عبدالملک، زمانی که در احد شهید گردید، دانسته‌اند. (رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۸/۲۰ و زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۵۳/۴) برخی نیز بیان داشته‌اند که این آیه درباره حبیب بن عدی نزول یافته است، وقتی که اهل مکه او را به دار کشیدند، روی او را به مدینه گردانیدند، گفت: «اللَّهُمَّ إِنِّي عَنْ عَنْدِكَ خَيرٌ فَحَوّلْ وَجْهِي نَحْوَ قَبْلَتِكَ»: باز خدایا اگر مرا نزد تو منزلتی هست، روی مرا به قبله نما. حق تعالی او را به قبله گردانید و هیچ کس قدرت نداشت که روی او را از آن بگرداند و به طرف دیگر کند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۶۹۲/۴، رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۷/۲۰ و ۲۷۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۵۳/۴؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۸/۱۴؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۰۰/۶؛ این جوزی، ۱۴۲۲: ۴۴۴/۴).

۳-۳- بسیاری از مفسران، از شیعه و سنی (ابن جوزی در زاد المسیر به نقل از عکرمه) در عین ذکر روایاتی که از سبب نزول آیه حکایت دارند، اظهار نموده‌اند که حکم آیه، عام و در حق جمیع مؤمنان است، آنگونه نیست که تنها در حق فردی خاص نازل شده باشد. در این میان، زمخشری بیان داشته که از ظاهر عبارت چنین پیداست که عموم بندگان چنین مورد خطاب قرار خواهند گرفت (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۵۳/۴). یا مثلاً ابوالفتوح رازی نیز می‌نویسد: «...و اگر آیت خاص بود در یک شخص، حکم او عام بود جمله آنان را که به این صفت باشند از مؤمنان» (رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۸/۲۰). صاحب تفسیر اثناعشری نیز می‌گوید: «گرچه نزول آیه درباره حبیب یا حمزه نازل شده باشد لکن حکمیش عام است کسانی را که صاحب نفس مطمئنه باشند که مقام منیع جلالت را دارا شوند و در آخر بدین خطاب مشرف شوند» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۸/۱۴).

ملا فتح‌الله کاشانی نیز حکم آیه را عام دانسته و روایتی را از عبدالله بن عامر در تأیید سخن خود آورده و می‌نویسد: «و اظهر آن است که آیه بر عموم خود باشد و اگر نزول آن مخصوص باشد به حمزه یا به حبیب حکم او عام خواهد بود مرکسانی را که متصف بصفت او باشند چنان که از عبدالله بن عمر روایت است که چون بنده مؤمن مشرف بر موت شود حق سبحانه دو فرشته بفرستد تا از برای وی تحفه‌ای از بهشت بیاورند و باو گویند که ای نفس آرمیده بیرون آی راضی و مرضی با روح و ریحان شو...» (کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۴۷/۱۰).

لازم به ذکر است که مطلب فوق، هیچ‌گونه تعارضی با روایاتی که مصدق کامل آیه را امام حسین (ع) معرفی می‌کنند وجود ندارد. حکم آیه می‌تواند عام و هر مؤمنی مصدق آن باشد، اما مصدق کامل و اتم آن که در روایات صحیح، مکرر از آن یاد شده است، امام حسین (ع) است.

۴- نتیجه گیری

طبق آنچه در مورد روایات درباره نفس مطمئنه و مصدق آیه شریف «یا أیتها النفس المطمئنة» و همچنین سبب نزول آن، از مدارک اهل‌سنّت و شیعه بیان شد، می‌توان به نکات زیر به عنوان نتیجه تأکید کرد:

۱. روایاتی که این آیه را در حق خلیفه اول یا سوم معرفی کرده‌اند به کلی مردود به شمار می‌روند و روایاتی که آیه را در شأن اهل‌بیت پیامبر (ع)، به ویژه حضرت ابا‌عبدالله (ع) را مصدق آن دانسته‌اند، صحیح‌تر و قابل اعتمادترند، چراکه تنها معصوم است که می‌تواند از این چنین منزلتی برخوردار باشد. به بیان دیگر، خطاب نفس مطمئنه صرفاً مقام عصمت را شامل می‌شود که بر جسته‌ترین مصدق آن، با توجه به خصوصیات سوره، از قبیل ارتباط آیات پیانی با آیات آغازین آن، امام حسین (ع) خواهد بود.

۲. سند روایاتی که مصدق این آیه را خلیفه اول یا سوم دانسته‌اند به صحابه ختم می‌شود، حتی یک مورد هم وجود ندارد که روایت را به معصوم، یعنی پیامبر اکرم (ص) برساند. به عبارتی دیگر، صحابه‌ای نظیر ابن عباس، این روایات را به پیامبر نسبت نمی‌دهند اما روایاتی که از منابع شیعه ذکر شده‌اند مستند به قول معصوم هستند.

۳. تعداد روایاتی که مصدق کامل آیه نفس مطمئنه را امام حسین (ع) معرفی کرده‌اند نسبت به روایات دیگر بیشتر است. به عنوان نمونه تنها در یکی، دو منبع از منابع اهل‌سنّت، آن هم بیشتر منابع روایی، شاهد روایاتی هستیم که مصدق آیه را ابویکر یا عثمان دانسته‌اند، اما روایاتی که آیه را در شأن اهل‌بیت (ع)، به ویژه امام حسین (ع) می‌دانند، در بیشتر تفاسیر شیعی اعم از روایی، جامع، ادبی، کلامی، فلسفی و... و حتی در برخی کتاب‌های سنی نظیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل نقل شده است.

۴. روایاتی که امام حسین (ع) را مصدق آیه معرفی می‌کنند، آن قدر مشهور هستند که همین خود به تنها یک دلیل بر برتری آن نسبت به دیگر روایات است. به عبارت اخیری چون از گذشته، پیوسته این روایات - ولو به صورت نقل به معنا - از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است، می‌توان از آنها به روایات متواتر (حدائق متواتر معنوی) یاد نمود.

۵. در مورد سبب نزول آیه هم که روایات گوناگونی وارد شده است باید گفت، اولاً تنها یک روایت، آن هم فقط در برخی منابع اهل‌سنّت که سبب نزول آیه را به عثمان ارتباط می‌دهد، نمی‌توان اطمینان و اعتماد نمود، ثانیاً اگر بخواهیم سبب نزولی برای این آیه ذکر کنیم، روایاتی که نزول آیه را در حق اهل‌بیت پیامبر به ویژه امیرالمؤمنین (ع) معرفی می‌کنند، از جهاتی نظیر تعدد نقل و... برتری دارند.

۶. روایاتی هم که از سبب نزول آیه درباره حمزه یا حبیب بن عدی یاد می‌کنند لازم است مورد بررسی سندی قرار گیرند تا بتوان درباره آن‌ها به قطعیت سخن گفت. در مورد عامبودن حکم آیه هم که کثیری از تفاسیر امامیه و عامه به آن اشاره کرده‌اند باید گفت که عامبودن حکم آیه، هیچ تعارضی با سبب نزول خاصی که آیه در همان مورد نازل شده است، نمی‌تواند داشته باشد.

منابع و مراجع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمدمهری فولادوند.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ۳- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، ۱۴۱۰: غرالحکم و دررالکلم، تصحیح سیدمهدی رجائی، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامی.

- ۴- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹: *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: اسعد محمد الطیب، چاپ سوم، عربستان سعودی: مکتبة نزار مصطفی الباز.
- ۵- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲: *زاد المسیر فی علم التفسیر*، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، چاپ اول، بیروت: دارالكتاب العربي.
- ۶- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹: *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، چاپ اول، بیروت: دارالكتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴: *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
- ۸- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۵: *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، قم: موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية.
- ۹- بروجردی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶: *تفسیر جامع*، تهران: انتشارات صدر.
- ۱۰- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار إحياء التراث.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷: *نفس مسوله و راههای رهایی از آن*، «پاسدار اسلام»، شماره ۲۰۳.
- ۱۲- حسکانی، عبید الله بن احمد، ۱۴۱۱: *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۱۳- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، ۱۴۰۹: *تأویل الآیات الظاهره*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۴- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳: *تفسیر اثناعشری*، تهران: انتشارات میقات.
- ۱۵- گنابادی، سلطان محمد، ۱۳۷۲: *بيان السعادة فی مقامات العبادة*، ترجمه رضا خانی و حشمت‌الله ریاضی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- ۱۶- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸: *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲: *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوی، چاپ اول، دمشق: دارالعلم الدار الشامیة.
- ۱۸- زمخشri محمود بن عمر، ۱۴۰۷: *الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بیروت: دارالكتاب العربي.
- ۱۹- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴: *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- ۲۰- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴: *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۱- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲: *جامع البيان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفة.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲: *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو.
- ۲۳- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵: *تفسیر نور الثقلین*، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ۲۴- فاکر میبدی، محمد، ۱۳۹۳: *مبانی تفسیر روایی*، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه و فرهنگ اندیشه اسلامی.
- ۲۵- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات ابن ابراهیم، ۱۴۱۰: *تفسیر فرات الكوفي*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰: *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
- ۲۷- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵: *تفسیر الصافی*، تهران: انتشارات صدر.
- ۲۸- قیادی، مريم، *تفسیر فرات کوفی*، ۱۳۸۹: بازناسی میراث کهن شیعه، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۹- قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۱: *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دارالكتب الاسلامیة.
- ۳۰- قمی، عباس، ۱۴۱۴: *سفینۃ البحار*، چاپ اول، قم: اسوه.
- ۳۱- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳: *تفسیر قمی*، قم: دارالكتاب.
- ۳۲- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸: *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، مصحح: حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۳۳- کاشانی، ملافتح الله، ۱۳۳۶: *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.

-
- ۳۴- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷: *الکافی*، به تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب‌الاسلامیة.
 - ۳۵- کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰: *تفسیر فرات کوفی*، محقق محمد کاظم، چاپ اول، تهران: وزارت الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر.
 - ۳۶- مجلسی، محمدیاقر، ۱۴۰۳: *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
 - ۳۷- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۷ش: *میزان الحکمة*، قم: دارالحدیث.
 - ۳۸- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، ۱۴۱۶: *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، چاپ اول، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.